

حوزه؛ دین و دانش

اشاره

کمتر از یک سال پیش، در دیداری که استادان و طلبه - دانشجویان مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) با استاد فقیه حضرت آیت‌الله علامه محمد تقی جعفری داشتند، معظم‌له مطالبی ارائه فرمودند. به منظور گرامی‌داشت یاد استاد، گزیده‌ای از سخنان ایشان در آن دیدار، جهت اطلاع خوانندگان ارائه می‌شود:

مسئله‌ای که سالیان نسبتاً زیاد، یعنی از سال ۳۸ که به مشهد آمدم و یک سال بعد از آن که به تهران آمدم، اغلب، موضوع کار و تحقیقات من بوده، ارتباطات حوزوی و دانشگاهی است. البته هیچ وقت در کادر رسمی دانشگاهی قرار نگرفتم، ولی با کسانی که اینجا می‌آمدند، درس‌هایی داشته‌ام. چند دوره دکترا و فوق لیسانس درس گفته‌ام. من در رساله‌های دکترا زیاد کمک کرده‌ام. چیزی که به نظر من احتیاج بسیار مبرم به بحث و بررسی دارد و مجموع کارها و تلاش‌های ما باید در ارتباط با آن باشد، این است که بعد از جدایی کلیسا و مقامات دینی در کشورهای خارج، که موج تند آن به ما هم رسیده است، عواملی وجود دارد که باید تحلیل و تشریح شود. ما آنچه از دستمان برمی‌آید مضایقه نمی‌کردیم؛ از هیچ چیز مضایقه نمی‌کردیم. مرحوم شهید مطهری، شهید بهشتی و آقایان آیتی و بیرجندی، هفت - هشت نفر بودیم که تلاش می‌کردیم از این سنگلاخ رد شویم تا دانشگاه خیال نکند که حوزه با او تضاد دارد. کارهایی هم انجام شد.

من فکر می‌کنم که حوزه مقداری به میدان آمده است. دو سال پیش که به قم مشرف شده بودم و در یادواره شیخ انصاری (ره) شرکت کردم، یک روز که مسئولیت جلسه با من بود مقالاتی را می‌خواندند، دیدم خیلی مقالات خوبی دارند. در سمینار دیگری در قم که در آن نظریات مرحوم امام (ره) در باره زمان و مکان مطرح بود، برای من جزوه‌ای فرستادند که در مورد موضوعاتی بود که باید تحقیق شود. اگر هم نخواهیم ارزیابی کنیم که چه مقدار محتواهای این‌ها موفق بوده است، موارد و موضوعاتی که برای تحقیق معین کرده بودند، خیلی خوب بود. احساس می‌شود که مسئله را در قم متوجه شده‌اند و عده‌ای به آن مشغولند. یک وقت ما با مرحوم صدر (ره) در نجف داد و فریاد راه انداخته بودیم. علامه طباطبائی (ره) زودتر از ما در قم متوجه شده بودند. امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند ما از حوادث کوبنده که می‌خواهد بیاید پیشگیری نمی‌کنیم، تا این که سر ما را بکوبد. ما نقطه ضعف داشتیم، خواب بودیم، باید جدی‌تر بیدار شویم. فقط با یک مشت

آب به صورت زدن بیدار نمی شویم. چون هجوم خیلی جدی و گیراست. دانشجویی که طفلک خیال کرده بود واقعاً همه چیز را می داند، سؤال می کرد تو بهتر می فهمی یا آن‌ها که هواپیمای ۷۴۷ را اختراع کرده‌اند. در کنفرانس‌های بین‌المللی که در خارج و تهران تشکیل می شد، ما این را استشمام کرده بودیم که باید مؤسسه و مرکزی در حوزه داشته باشیم. در حدیث هم داریم که سنگ را به همانجا رد کنید که از آنجا آمده است: ردّ الحجر من حیث جاء.

یکی از مسائلی که یک سوء تفاهم است و عمیق هم نیست، گرچه برخی این را عمیق نشان داده و از آن خیلی استفاده‌ها کرده‌اند، این است که باید در قم مؤسسه‌ای ایجاد کرد و در آن به جهت دار بودن علوم پرداخت. یعنی اگر علوم جهت دار باشد چه می شود؟ اگر بی جهت باشد چه می شود؟ تا این حالت دندان نشان دادنش به دین و معنویات مشخص شود و علم از این جهت تبرئه شود. چرا دنبال کار نمی رویم؟ چون زحمت دارد. می‌گوییم از قرن ۱۸ و ۱۹ تا به حال صدها مسئله به عنوان مسائل علمی مطرح شد و بعد معلوم شد دروغ است و خلاف واقع از کار درآمد؛ باید این‌ها را جمع آوری کرد؛ دیگران نخواهند کرد. زیرا دانشگاهی نمی خواهد در آن تزلزل ایجاد کند. از قرن ۱۸ گفتند دین در مقابل علم است. این علم بوده که این‌ها آن را در مقابل دین قرار داده‌اند. اگر استدلالشان صددرصد واقع‌گرایانه بود، این قدر خرابی به بار نمی آورد. باید علم ارزیابی شود. ما آن موقع گفتیم که برداشت از واقع ورشکسته می شود، نه خود واقعیات. نظم هستی به حال خودش هست. این برداشت من که تبدیل به علم می شود و من در آن دخالت دارم، ورشکسته می شود. ورشکستگی علم معنا ندارد. آنچه علم نامیده می شود و جلوه علمی در جامعه دارد، ورشکسته می شود. چرا این مسائل را برای ما نقل نمی کنند و بر ضد دین از آن استفاده می کنند؟ این بهترین میدان برای کارزار است. آقایان! نظرتان را در باره علم تعدیل کنید.

باید در قم این کار بشود؛ به علوم پرداخته شود و رابطه دین با این علوم مشخص شود. علم دائماً ارزیابی شود. معنای علم چیست؟ معنای تعبد چیست؟ باید رشته‌ای تأسیس شود تا بر اساس تحقیق، علم را از مبارزه با دین و دین را از مبارزه با علم تبرئه کنیم. چرا ریاضیات از این تزلزل در امان باشد؟ مثالش همان پادشاهی است که با لباس مبدل به دزدی می‌رفت؛ کسی احتمال نمی‌داد که او دزد باشد. بعد از قرن‌ها فهمیدند این چنین نیست و ریاضیات قابل ارزیابی است.

عده‌ای مغالطه کرده‌اند و سهم دیگران را در پیشرفت علم نادیده گرفته‌اند. در فرستادن آپولو به ماه و اختراع کامپیوترها شرق و غرب، همه زحمت کشیده‌اند. در این راه، اختراع اعداد در هند یا توسط اعراب، مؤثر بوده است. اگر راست می‌گویید سهم افراد را تحلیل کنید. حوزه باید جوانان را آشنا کند؛ راهش این است. این نکته نخست. دوم، ارزیابی علم از ناحیه وسائل و عادات است. این که علم می‌گوید من واقعیت را به شما می‌گویم، از چندین منظر قابل تحقیق است. اولاً این حواس ما اقتضایی دارد. سه استکان با حرارت‌های مختلف بگذارید؛ سرد، نیم گرم و گرم. اگر انگشت را اول در گرم بگذارید و سپس در نیم گرم، سرد احساس می‌شود. اگر اول در سرد بگذاریم و بعد در نیم گرم، گرم احساس می‌شود. خطا نیست. حواس این چنین است. اگر غیر از این باشد، غلط است. قبلاً اعصاب از آن حرارت تأثر یافته است. دوم مسئله اصول پیش ساخته و سوم هدف‌گیری‌های ما و هدف ما. این کاغذ نوشتن است؛ موادی که در کارخانه جمع‌آوری شده برای ساختن کاغذ بوده است. آیا آن مواد، تمام استعدادشان فقط در ساختن کاغذ بوده است و در طبیعت فقط می‌تواند تبدیل به کاغذ شود؟ نه، یک هدف آن این است که کاغذ شود. هدف‌ها و هدف‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های ما از نظر اندیشه‌هایی که در باره جهان داریم در دانش ما تأثیر دارد. اگر در مکان زیبایی کسی کشته شده است و کارشناس جنایی با دیدی محققانه شروع به تحقیق می‌کند، پدر و مادر

مقتول طور دیگری می بینند و فیزیکدان طور دیگر.

به هر حال، این را می خواستم بگویم: آقایان گفته اند آزمایشگاه ها و علوم ما را به سمت واقعیت می برند. اگر در آزمایشگاه تغییری ایجاد شود، آیا باز هم همان طور نشان می دهد؟ با تلسکوپ ستاره ها را تماشا می کنیم، کوچک ترین تغییر در آن طور دیگری نشان داده می شود. پس ساختار آزمایشگاه ها هم تأثیر دارد. کیفیت ثانوی است. مخصوصاً در علوم انسانی، انسان آن قدر بازیگری می کند. کسی که کتابی در باره علل سقوط امپراتوری رم نوشته است، عینک قرن ۱۹ به چشمانش بوده است. عده ای پشت سنگر علم قايم شده اند و با کمال بی توجهی می خواهند به حقایق تیراندازی کنند. من جای این ماده را در قم خالی می بینم. ولی شما را متوجه می کنم که کجای قضیه اهمیت حیاتی برای ما دارد. آیا حوزه آمادگی برای این کار دارد؟